
علم معانی و دستور زبان فارسی

تألیف:

عباسعلی وفایی

استاد دانشگاه علامه طباطبائی

و

سمیه الهابایی



سرشناسه	: وفایی، عباسعلی، ۱۳۴۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: علم معانی و دستور زبان فارسی / تألیف عباسعلی وفایی، محمد آقابابایی.
مشخصات نشر	: تهران: نشر علمی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۳۹۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۴-۳۱۱-۶
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: واژه نامه.
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۳۴۳ - ۳۶۲ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	: فارسی - معانی و بیان
موضوع	: فارسی - دستور
شناسه افزوده	: آقابابایی، سمیه، ۱۳۵۹ -
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۴ ۷ع۸/و PIR۳۳۵۶
رده بندی دیویی	: ۸۰/۴۲ فا ۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۰۵۷۴۴۶



خیابان انقلاب - تهران - دانشگاه تهران شماره ۱۲۲۴

تلفن: ۶۶۶۶۰۶۶۷ فکس: ۶۶۴۹۶۶۱۱

علم معانی و دستور زبان فارسی

عباسعلی وفایی

(استاد دانشگاه علامه طباطبائی)

و

سمیه آقابابایی

ویراستار فنی: محمدمهدی زمانی

صفحه آرای: شهلا حاتم آبادی فراهانی

چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: رامین

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۴-۳۱۱-۶

مرکز پخش: انقلاب- خیابان ۱۲ فروردین- شهدای ژاندارمری- پلاک ۱۰۳

تلفن تماس جهت دریافت کتاب در منزل یا محل کار: ۱۲ و ۵۱۱-۶۶۴۶۰۷۲-۶۶۴۶۳۰۷۲

فهرست مطالب

مقدمه / پیشگفتار ۱

فصل اول

کلیات و مبانی نظری ۹

۱-۱. بلاغت ۱۰

۱-۱-۱. تعریف علم بلاغت ۱۰

۱-۱-۲. تعریف اصطلاحی علم بلاغت ۱۱

۱-۱-۳. تقسیم‌بندی علم بلاغت (ابواب علم بلاغت) ۱۲

۱-۱-۴. سطوح زبانی بلاغت ۱۲

۱-۱-۵. تعریف علم معانی ۱۳

۱-۱-۶. موضوع علم معانی ۱۴

۱-۱-۷. تعریف علم معنی‌شناسی ۱۴

۱-۱-۸. تعریف کاربردشناسی ۱۵

۱-۱-۹. فایده‌ی علم معانی ۱۷

۱-۱-۱۰. مباحث علم معانی ۱۸

۱-۱-۱۱. مقتضای حال و مقتضای ظاهر ۱۹

۱-۱-۱۲. تاریخچه‌ی فنون بلاغت ۲۰

۱-۱-۱۲-۱. بلاغت در یونان و روم باستان ۲۰

۱-۱-۱۲-۲. بلاغت عربی - اسلامی ۲۲

۱-۱-۱۲-۳. بلاغت ایرانی ۲۳

۱-۱-۱۲-۴. امکان تأثیر بلاغت اروپایی (غرب) در بلاغت اسلامی ۲۴

۲-۱. دستور زبان فارسی

۲-۱-۱. تعریف دستور زبان ۲۶

۲-۱-۲. دستور سنتی ۲۶

۲-۱-۳. زبان‌شناسی ۲۸

۲-۱-۴. دستور زبان‌شناسی ۲۸

۲-۱-۵. دستور توصیفی ۲۹

۲-۱-۶. موضوع و مباحث دستور زبان ۳۰

۲-۱-۷. تاریخچه‌ی دستور زبان ۳۰

۲-۱-۷-۱. دستورنویسی در غرب ۳۰

۲۲..... ۲-۷-۲-۱. دستورنویسی در زبان عربی

۳۳..... ۳-۷-۲-۱. دستور زبان سنتی فارسی

فصل دوم

۳۵..... نگاهی به مطالعات زبان‌شناختی در دستور زبان و علم معانی

۳۶..... ۱-۲. علم معانی و کاربردشناسی

۳۷..... ۲-۲. مطابق باف. موقعیتی (در کاربرد شناسی) و مقتضای حال (در علم معانی)

۳۹..... ۳-۲. دستور زبان و معنی‌شناسی

۴۱..... ۴-۲. دستور زبان و کاربردشناسی

۴۳..... ۵-۲. فصاحت و دستور زبان فارسی

۴۵..... ۶-۲. موضوع علم معانی و دستور زبان

۴۹..... ۷-۲. علم معانی و چند نگرانی زبان‌شناختی

۵۱..... ۱-۷-۲. نظریه‌ی کنشی گفتاری آستین

۵۲..... ۲-۷-۲. نظریه‌ی گرایس

۵۴..... ۳-۷-۲. تحلیل گفتمان و معانی در زبان

۵۶..... ۴-۷-۲. نظریه‌ی هلیدی

۵۷..... ۱-۴-۷-۲. ساخت مبتدا - خبری

۵۷..... ۲-۴-۷-۲. ساخت اطلاعاتی

۵۸..... ۵-۷-۲. نظریه‌ی متنیت و متن

۵۸..... ۱-۵-۷-۲. انسجام

۵۹..... ۱-۱۵-۷-۲. ارجاع

۵۹..... ۲-۱-۵-۷-۲. حذف و جانشینی

۵۹..... ۳-۱-۵-۷-۲. ادات ربط

۶۰..... ۴-۱-۵-۷-۲. انسجام واژگانی

۶۰..... ۲-۵-۷-۲. پیوستگی

۶۰..... ۳-۵-۷-۲. مفهوم‌داری یا هدف‌مندی

۶۱..... ۴-۵-۷-۲. پیام‌داری

۶۱..... ۶-۷-۲. نظریه‌ی نقش‌های زبان یا کوپسن

۶۴..... ۸-۲. معانی ضمنی و معانی ثانویه

۶۵..... ۱-۸-۲. دیدگاه زبان‌شناسان

۶۶	۲-۸-۲ دیدگاه علم معانی
۶۶	۳-۸-۲ مقایسه‌ی دیدگاه علم معانی و کاربردشناسی
۶۸	۹-۲ دسته‌بندی مجدد معانی ثانویه‌ی ذکرشده در کتب معانی سنتی
۶۹	۱-۹-۲ معانی ثانویه
۷۰	۲-۹-۲ موارد دستوری
۷۱	۳-۹-۲ دلایل (اغراض) معنایی
۷۲	۴-۹-۲ پیش‌فرض‌ها
۷۳	۱-۴-۹-۲ روابط مفهومی
۷۴	۱-۴-۹-۲ استلزام معنایی
۷۴	۲-۴-۹-۲ تضمن معنایی
۷۴	۳-۴-۹-۲ پیش‌انگاری
۷۵	۴-۱-۹-۲ پیش‌فرض

فصل سوم

۸۷	مسنندالیه (نهاد) در دستور زبان فارسی و علم معانی
۸۸	۱-۳ جمله در دستور زبان و علم معانی
۸۹	۱-۱-۳ تعریف جمله
۹۰	۲-۱-۳ انواع جمله
۹۲	۳-۱-۳ اجزا و ارکان جمله
۹۳	۴-۱-۳ ترتیب اجزای جمله
۹۵	۵-۱-۳ حذف و ذکر اجزاء جمله
۹۸	۲-۳ نهاد در دستور زبان و علم معانی
۹۸	۱-۲-۳ تعریف نهاد
۹۹	۲-۲-۳ انواع نهاد
۱۰۰	۱-۲-۲-۳ نهاد فاعلی
۱۰۰	۲-۲-۲-۳ نهاد مسندالیهی
۱۰۱	۳-۲-۳ نهاد و انواع آن در علم معانی
۱۰۳	۴-۲-۳ مسندالیه در دستور زبان و علم معانی
۱۰۴	۵-۲-۳ نوع مسندالیه
۱۰۴	۶-۲-۳ ذکر و حذف مسندالیه در معانی و دستور زبان

- ۷-۲-۳. ساخت اطلاعاتی هلیدی و حذف و ذکر مسندالیه..... ۱۰۶
- ۸-۲-۳. ذکر و حذف مسندالیه..... ۱۰۹
- ۹-۲-۳. اغراض و معانی ثانویه‌ی ذکر مسندالیه..... ۱۰۹
- ۱-۲-۳. تقسیم‌بندی اغراض و معانی ثانویه‌ی..... ۱۱۲

ذکر مسندالیه

- ۱۰-۲-۳. اغراض و معانی ثانویه‌ی حذف مسندالیه..... ۱۱۷
- ۱-۱۰-۲-۳. اغراض و معانی ثانویه‌ی حذف فاعل..... ۱۱۹
- ۲-۱۰-۲-۳. تقسیم‌بندی اغراض و معانی ثانویه‌ی..... ۱۲۱

حذف مسندالیه و فاعل

- ۱-۲-۳. تقدیم و تأخیر مسندالیه در معانی و دستور زبان..... ۱۲۳
- ۱۲-۲-۳. ساخت و خبری و اطلاعاتی در تقدیم و تأخیر مسندالیه..... ۱۲۵
- ۱۳-۲-۳. اغراض و معانی ثانویه‌ی تقدیم مسندالیه..... ۱۲۸
- ۱-۱۳-۲-۳. تقسیم‌بندی اغراض و معانی ثانویه‌ی تقدیم مسندالیه..... ۱۳۰
- ۱۴-۲-۳. اغراض و معانی ثانویه‌ی تأخیر مسندالیه..... ۱۳۲
- ۱۵-۲-۳. مسندالیه معرفه در معانی و دستور زبان..... ۱۳۳
- ۱۶-۲-۳. اغراض و معانی ثانویه‌ی مسندالیه معرفه..... ۱۳۷
- ۱-۱۶-۲-۳. معرفه به ضمائر..... ۱۳۷
- ۲-۱۶-۲-۳. معرفه به اسم غلم..... ۱۳۸
- ۳-۱۶-۲-۳. معرفه به موصول..... ۱۴۰
- ۴-۱۶-۲-۳. معرفه به اسم اشارم..... ۱۴۱
- ۵-۱۶-۲-۳. معرفه به اضافه..... ۱۴۴
- ۶-۱۶-۲-۳. تقسیم‌بندی اغراض و معانی ثانویه‌ی مسندالیه معرفه..... ۱۴۶
- ۱۷-۲-۳. مسندالیه نکره در معانی و دستور زبان..... ۱۵۲
- ۱۸-۲-۳. اغراض و معانی ثانویه‌ی مسندالیه نکره..... ۱۵۳
- ۱-۱۸-۲-۳. تقسیم‌بندی اغراض و معانی ثانویه‌ی مسندالیه نکره..... ۱۵۵
- ۱۹-۲-۳. ساخت اطلاعاتی و مسندالیه معرفه و نکره..... ۱۵۹
- ۲۰-۲-۳. مسندالیه مطلق و مقید در معانی و دستور زبان..... ۱۶۱
- ۱-۲۰-۲-۳. اغراض توصیف مسندالیه..... ۱۶۳
- ۲-۲۰-۲-۳. اغراض تأکید مسندالیه..... ۱۶۴
- ۳-۲۰-۲-۳. اغراض عطف بیان و بدل برای مسندالیه..... ۱۶۵

۱۶۷.....	۲-۲۰-۴. اغراض معطوف برای مسندالیه.....
۱۶۹.....	۲-۲۰-۵. اغراض مسندالیه مقید به ضمیر منفصل.....
۱۶۹.....	۲-۲۰-۶. مسندالیه مقید به حال، اضافه و شرط.....
۱۷۰.....	۲-۲۱. تقسیم‌بندی اغراض و معانی ثانویه‌ی تقید مسندالیه.....
۱۷۳.....	۲-۲۲. ساخت اطلاعاتی و مسندالیه مطلق و مقید.....
۱۷۵.....	۲-۲۳. مسندالیه مطلق.....
۱۷۶.....	۲-۲۴. مسندالیه مفرد و جمع در معانی و دستور زبان.....

فصل چهارم

۱۷۸.....	مسند (گزاره) در دستور زبان فارسی و علم معانی.....
۱۷۹.....	۱-۴. مسند و انواع آن.....
۱۷۹.....	۱-۴-۱. تعریف گزاره.....
۱۷۹.....	۱-۴-۲. تعریف مسند.....
۱۸۱.....	۱-۴-۳. انواع مسند.....
۱۸۲.....	۱-۴-۴. مسند در علم معانی.....
۱۸۲.....	۱-۴-۵. مسند و گزاره.....
۱۸۲.....	۱-۴-۶. نوع مسند.....
۱۸۳.....	۱-۴-۷. ذکر و حذف مسند در معانی و دستور زبان.....
۱۸۵.....	۱-۴-۸. اغراض و معانی ثانویه‌ی ذکر مسند.....
۱۸۶.....	۱-۴-۹. تقسیم‌بندی اغراض و معانی ثانویه‌ی ذکر مسند.....
۱۸۹.....	۱-۴-۹. حذف مسند و انسجام متنی.....
۱۹۰.....	۱-۴-۱۰. اغراض و معانی ثانویه‌ی حذف مسند.....
۱۹۲.....	۱-۴-۱۱. حذف سایر اجزای مسند و معانی ثانویه‌ی آنها.....
۱۹۳.....	۱-۴-۱۱-۱. حذف مفعول در دستور زبان و معانی.....
۱۹۳.....	۱-۴-۱۱-۲. معانی و اغراض ثانویه‌ی حذف مفعول.....
۱۹۴.....	۱-۴-۱۲. تقسیم‌بندی اغراض و معانی ثانویه‌ی حذف مسند.....
۱۹۷.....	۱-۴-۱۳. حذف فعل در دستور زبان و معانی.....
۱۹۷.....	۱-۴-۱۳-۱. حذف سایر متعلقات فعل.....
۱۹۹.....	۱-۴-۱۴. تقدیم و تأخیر مسند در معانی و دستور زبان.....
۲۰۰.....	۱-۴-۱۵. ساخت مبتدا - خبری هلیدی و تقدیم و تأخیر مسند.....

- ۱۶-۱-۴. اغراض و معانی ثانویه‌ی تقدیم مسند..... ۲۰۱
- ۱۶-۱-۴. اغراض و معانی ثانویه‌ی تقدیم مفعول..... ۲۰۳
- ۱۶-۲. تقسیم‌بندی اغراض و معانی ثانویه‌ی تقدیم مسند..... ۲۰۶
- ۱۶-۳. بررسی تقدیم دیگر اجزاء مسند..... ۲۱۰
- ۱۷-۱-۴. مسند معرفه در معانی و دستور زبان..... ۲۱۱
- ۱۸-۱-۴. اغراض و معانی ثانویه‌ی مسند معرفه..... ۲۱۱
- ۱۹-۱-۴. مسند نکره در معانی و دستور زبان..... ۲۱۳
- ۲۰-۱-۴. اغراض و معانی ثانویه‌ی مسند نکره..... ۲۱۴
- ۲۰-۱-۴. تقسیم‌بندی اغراض و معانی ثانویه‌ی مسند نکره..... ۲۱۵
- ۲۰-۲-۱-۴. معرفه نکره بودن قید زمان..... ۲۱۷
- ۲۲-۱-۴. مسند مطلقه و مقید در معانی و دستور زبان..... ۲۱۸
- ۲۳-۱-۴. مسند مفید و مایخت، اطلاعاتی هلیدی..... ۲۱۸
- ۲۴-۱-۴. اغراض و معانی ثانویه‌ی مسند مقید..... ۲۱۹
- ۲۴-۱-۴. مسند مقید به امیز..... ۲۱۹
- ۲۴-۲-۱-۴. مسند مقید به حال و اذرع قید..... ۲۲۰
- ۲۴-۳-۱-۴. تقييد مسند به مفعول..... ۲۲۲
- ۲۴-۴-۱-۴. تخصیص مسند..... ۲۲۴
- ۲۴-۵-۱-۴. تکرار مسند در معانی و دستور زبان..... ۲۲۴
- ۲۴-۶-۱-۴. تقسیم‌بندی مسند مقید به حرف ربط..... ۲۲۵
- ۲۵-۱-۴. مسند مطلق..... ۲۳۲
- ۲۶-۱-۴. مسند مفرد و جمع در معانی و دستور زبان..... ۲۳۳
- ۲۶-۱-۴. مسند جمع..... ۲۳۴
- ۲۶-۲-۱-۴. فعل..... ۲۳۵
- ۲۶-۳-۱-۴. فعل مجهول در معانی و دستور زبان..... ۲۳۵
- ۲۶-۴-۱-۴. زمان فعل در معانی و دستور زبان..... ۲۳۶
- ۲۷-۱-۴. آوردن مسند به صورت جمله..... ۲۳۷
- ۲۸-۱-۴. جمع‌بندی بحث مسند..... ۲۳۸
- ۲-۴. اسناد در دستور زبان و علم معانی..... ۲۴۰
- ۲-۴. ۱. تعریف اسناد..... ۲۴۰
- ۲-۴. ۲. اسناد در دستور زبان..... ۲۴۰

- ۲۴۲..... ۳-۲-۴. اسناد در علم معانی
- ۲۴۳..... ۴-۲-۴. انواع اسناد
- ۲۴۵..... ۱-۴-۲-۴. اسناد خبری و اسناد انشایی

فصل پنجم

- ۲۴۶..... جمله و انواع آن در دستور زبان فارسی و معانی
- ۲۴۷..... ۱-۵. جمله و انواع آن
- ۲۴۷..... ۱-۵. جمله خبری و انشایی در معانی و دستور زبان
- ۲۴۹..... ۱-۱-۵. اقسام خبر بر اساس حال مخاطب
- ۲۵۲..... ۱-۵. پیوستگی و مقتضای حال
- ۲۵۴..... ۴-۱-۵. مانع ثانویه - جملات خبری و تقسیم‌بندی آنها
- ۲۶۲..... ۵-۱-۵. جمع‌بندی
- ۲۶۴..... ۲-۵. حصر و قصر
- ۲۶۴..... ۱-۲-۵. حصر و قصر در جملات خبری
- ۲۶۵..... ۲-۲-۵. انواع قصر
- ۲۶۶..... ۱-۲-۵. قصر حقیقی و غیر حقیقی
- ۲۶۷..... ۳-۲-۵. طرق قصر
- ۲۷۰..... ۴-۲-۵. انواع قصر بر اساس اعتقاد مخاطب
- ۲۷۲..... ۵-۲-۵. تقسیم‌بندی مقاصد و کاربرد حصر و قصر
- ۲۷۴..... ۶-۲-۵. جمع‌بندی
- ۲۷۵..... ۳-۵. جملات انشایی
- ۲۷۵..... ۱-۳-۵. اسناد انشایی
- ۲۷۶..... ۲-۳-۵. انواع اسناد انشایی
- ۲۷۶..... ۳-۳-۵. تقسیم‌بندی معانی ثانویه جملات پرسشی
- ۲۸۳..... ۴-۳-۵. جملات امر و نهی در دستور زبان و معانی
- ۲۸۴..... ۵-۳-۵. تقسیم‌بندی معانی ثانویه جملات امر و نهی
- ۲۹۰..... ۶-۳-۵. جملات عاطفی در دستور زبان و معانی
- ۲۹۲..... ۷-۳-۵. تقسیم‌بندی معانی ثانویه جملات ندایی
- ۲۹۶..... ۴-۵. شبه‌جمله در دستور زبان و علم معانی
- ۲۹۶..... ۱-۴-۵. شبه‌جمله و انواع آن

فصل ششم

۲۹۸	فصل و وصل و پیوند
۲۹۹	۱-۶. فصل و وصل
۲۹۹	۲-۶. تعریف فصل و وصل
۳۰۰	۳-۶. پیوند و وابستگی
۳۰۱	۴-۶. وصل و پیوند لفظی و انواع آن
۳۰۲	۴-۶.۱. پیوند لفظی و وابستگی
۳۰۲	۴-۶.۲. پیوند لفظی هم‌پایگی
۳۰۴	۵-۶. بررسی موارد وصل در علم معانی
۳۰۷	۶-۶. پیوند معنوی و فصاحت
۳۰۹	۷-۶. بررسی موارد فصل در علم معانی
۳۱۲	۸-۶. دیدگاه علمای بدعت
۳۱۴	۹-۶. اهمیت رعایت موارد فصل و وصل
۳۱۴	۱۰-۶. فصل و وصل و انسجام کلام
۳۱۵	۱۱-۶. بررسی مباحث بلاغی فصل و وصل

فصل هفتم

۳۱۸	چند بحث مربوط به دستور زبان و علم معانی
۳۱۹	۱-۷. ایجاز و اطناب
۳۲۱	۲-۷. بررسی اغراض اطناب
۳۲۶	۳-۷. خلاف مقتضای ظاهر
۳۲۹	۴-۷. جمع‌بندی
۳۳۱	واژه نامه فارسی - انگلیسی
۳۳۷	واژه نامه انگلیسی - فارسی
۳۴۳	فهرست موضوعی (نمایه)
۳۶۳	فهرست اعلام
۳۷۰	کتابنامه

زبان نظامی از نشانه‌های زبانی است که برای انتقال پیام و ایجاد ارتباط در میان انسان‌ها به کار می‌رود (صنوی، ۱۳۹۱: ۲۴). برای شناخت زبان، نیازمند دانش‌هایی هستیم که قاعده‌های آن را بررسی و تحلیل کنیم. زبان‌شناسی و دستور زبان دانش‌هایی‌اند که به مطالعه‌ی عامی زبان می‌پردازند.

دانش مربوط به شناخت زبان دستور زبان و زبان‌شناسی است که در ارتباط با معنی‌شناسی نیز قرار می‌گیرد. در این دانش‌ها، قاعده‌ها و هنجارهای زبان و طرز کاربرد اجزاء زبان بررسی می‌شود. برخی قواعد فن سخنوری را می‌توان در دانش دستور زبان یافت. افزون بر این، سخنوران نیاز به قوانین دارند تا کلام را رساتر و بلیغ‌تر بیان کنند. «معمولاً عموم مردم کلام موزون و بلیغ را از سخن ناموزون بذات از هم می‌شناسند، اما علل و عواملی را که سبب زیبایی و یا نازیبایی سخن می‌شوند نمی‌شناسند» (آهنی، ۱۳۵۷: ۱).

بدین ترتیب همان‌گونه که در زبان استفاده از دستور ضروری می‌نماید و زبان‌آموز در بیان کلام خود ناگزیر از به کار بردن هنجارها و قوانین دستور زبان است، در ادبیات نیز متکلم نیاز به استفاده از فنونی دارد تا دلایل و شیوه‌های زیباترین جملات و مؤثر بودن آن را در مخاطب دریابد. این فنون را علم بلاغت نامیده‌اند.

سخنور به یاری علم بلاغت کلام خود را تأثیرگذارتر و بلیغ‌تر می‌سازد. بررسی عوامل مؤثر در زیبایی سخن، کاربرد مؤثر زبان و تأثیر در مخاطب، سبب شکل‌گیری علمی سه‌گانه به نام علم معانی و بیان و بدیع شد. در لغت‌نامه‌ی دهخدا (۱۳۷۷: ذیل «ادب») به نقل از تاریخ ادبیات ذکاءالملک چنین آمده است: «علم ادب یا سخن‌سنجی در اصطلاح قدما عبارت از معرفت به احوال نظم و نثر از حیث درستی و نادرستی، خوبی و بدی و مراتب آن بوده است». موضوع علوم ادبی بررسی نظم و نثر است از حیث فصاحت و بلاغت؛ چراکه هدف از تحصیل علوم ادبی قدرت بر تکلم و خواندن نوشته‌ها و مهم‌تر از همه حصول ملکه‌ی فصاحت و بلاغت است (سیط‌الشیخ، ۱۳۷۳: ۱۰۵). با علم بلاغت می‌توان به این هدف رسید و متون

نظم و نثر را از حیث فصاحت و بلاغت و رسایی سنجید. سه فن بلاغت (معانی، بیان و بدیع) به بررسی قواعدی می‌پردازند که ادب را شکل می‌دهد. زیباشناسی سخن یا همان بلاغت در زبان فارسی از فن بدیع آغاز می‌شود و سرانجام به علم معانی می‌رسد. این راه روند و روایی را دنبال می‌کند که در آن صنایع و کاربردهای ادبی و هنری به تدریج نهانی‌تر و درونی‌تر می‌شوند و ارتباط عمیقی با معنا می‌یابند (کزازی، ۱۳۷۰: ۱۴-۱۵). هر یک از این علوم به گونه‌ای با دستور زبان پیوند یافته‌اند؛ زیرا دستور زبان در کنار بررسی صرفی و نحوی کلام به معنا نیز توجه دارد.

آنچه مورد بررسی این کتاب قرار گرفته شناخت و بررسی ارتباط دو دانش دستور زبان و شاخه‌ای از علم بلاغت، یعنی علم معانی، است. معانی نه تنها با دستور زبان، بلکه با علوم مختلفی چون زبان‌شناسی، شوا و آیین نگارش، نقد ادبی و دیگر شاخه‌های بلاغت، یعنی بدیع و بیان، ارتباط دارد. آنچه که اساس شکل‌گیری این علم مربوط به آیین سخنرانی بوده است، آن را نباید مختص به زمان‌های گذشته، بلکه قاعده‌های آن را در گفتار نیز می‌توان یافت. در دستورهای سنتی تنها به صرف و نحو زبان پرداخته شده است و معنی‌شناسی و مباحث ژرف‌ساختی زبان مغفول مانده است؛ اما یک در دستورهای جدید، مانند دستور نقش‌گرا - نظام‌مند هلیدی، مباحث دیگری فراتر از صرف و نحو مطرح می‌شود که با علم بلاغت ارتباط می‌یابد - برای نمونه مباحث معنی‌شناختی و با کمک آنها پژوهش‌هایی نو می‌توان انجام داد.

اصول و قواعد علم معانی در زبان‌های مختلف متفاوت است. یعنی می‌توان اصولی را که در علم معانی زبان‌های دیگر مورد بحث است، منطبق با زبان فارسی و اصول آن دانست. شفیع‌ی کدکنی (۱۳۵۳: ۵۷-۵۸) راه ایجاد علم معانی مستقل برای زبان فارسی را بررسی شاهکارهای ادبی زبان فارسی می‌داند و اشاره می‌کند که این آثار را باید از نظر ساختمان جمله و طرز قرار گرفتن واژه‌ها در جمله بررسی کرد تا قوانینی را از طریق جمله‌بندی این آثار به دست آورد و میزان وابستگی تأثیر و زیبایی سخنان آنها را با طرز قرار گرفتن اجزای جمله دریافت، هم‌چنانکه در علوم عربی عبدالقاهر جرجانی و دیگران ساختمان و اجزای جملات قرآنی را بررسی کردند و، بر اساس این جملات، پایه و اساس علم معانی یا همان «معانی النحو» را بنا نهادند.

عبدالقاهر جرجانی، مباحثی را مطرح می‌کند که با مباحث موجود در علم معانی زبان فارسی مشترک است و فارسی‌زبانان و محققان آن قواعد را تاحدودی با زبان فارسی انطباق داده‌اند، مباحثی چون خبر و انواع آن، ارکان جمله و تقدیم و تأخیر هر کدام از این اجزاء، اسم بودن یا فعل بودن مسند و متعلقات مسند، امکان عطف و عدم عطف در جمله، نقش حروف اضافه و یا حروف تأکید در القاء معانی، نکره و معرفه آوردن اجزاء جمله، توجه به جایگاه آمدن اسم ظاهر و ضمیر به جای یکدیگر و محل و کاربرد تکرار اجزای جمله.

جرجانی این موارد را در علم بلاغت اسلامی مطرح کرده است و کسانی چون کمال ابودیب، حسان عباس از دیدگاه جرجانی درباره تأثیر نظم معنوی بر نظم نحوی با نام «نظریه‌ی نظم» یاد می‌کنند. «نظم چیزی نیست مگر قرار دادن اجزای جمله و گفتار به گونه‌ای که بر اساس علم نحو باشد» (همانجا). شفیع (همانجا) اشاره می‌کند که منظور از نحو در عبارت جرجانی «علم نحوی معنای گسترده‌ی آن است، نه معنای سطحی و محدود آن؛ منظور از نحو «آگاهی از ترکیب اجزای جمله است به تناسب حالات و مقتضای حال».

یاکوبسن نیز به قواعد دستوری می‌پردازد در متن و نقش مهم نحو در ایفای آن اشاره کرده است. یاکوبسن از انتخاب واژه‌ها در محور بلاغی و ترکیب آنها در محور هم‌نشینی سخن می‌گوید و اشاره می‌کند که این انتخاب و ترکیب با سبب ایجاد نقش شعری می‌شود (صفوی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۲۶). جرجانی نیز می‌گوید اگر واژه‌ای آن گونه که بایسته است، با رعایت قواعد نحوی، در جای خود قرار گیرد بلیغ است و در بیدار به چنین بلاغتی تنها با دانستن مفهوم الفاظ حاصل نمی‌شود، بلکه سخنگو باید بداند که آن الفاظ را چگونه و کجا قرار دهد (سهراب، ۱۳۸۳: ۷۲). جرجانی فصاحت و بلاغت را برتبه معنایی و داشتن نحو دستوری معنادار می‌داند؛ بنابراین او نخستین کسی است که به مسأله نحو و ترکیب و فحوای کلام توجه کرده است.

تعریف مذکور از نحو، یا همان نظریه‌ی نظم، تا حدودی منطبق با تعریف علم معانی در زبان فارسی است؛ زیرا علم معانی در زبان فارسی «معانی ثانوی جملات و اجزای آن را بر اساس مقتضای حال مخاطب می‌سنجد» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۳۲). اما هدف دستور زبان بررسی و سنجش به‌هنجاری و قواعد ساختمان جمله و کلمات از دیدگاه لفظی و از دیدگاه معنای اولیه و زبانی است.

آنچه نظر ما را به خود جلب می‌کند این است که اگرچه موضوع اصلی علم معانی معانی ثانویه بر اساس بافت برون‌زبانی کلام و جملات در مقابل با دستور زبان است، علمای بلاغی در کتب سنتی معانی از قواعد و اصول دستور زبان نیز به تفصیل یاد کرده‌اند. بسیاری از مباحث دستوری چون نهاد و گزاره در علم معانی مورد بحث قرار گرفته‌اند که این مباحث گوینده را در ایراد سخن بر مقتضای حال یاری می‌دهند. در این میان بحث‌های معنایی‌ای در کتب دستور زبان موجود است که آن را هم در ارتباط با معانی و هم با علم معنی‌شناسی به‌عنوان شاخه، جدیدی از دستور قرار می‌دهد.

این تفاوت موضوع و هدف و در عین حال درهم‌تنیدگی مباحث این دو دانش در یکدیگر ما را به یافتن ارتباط این دو برانگیخت. در زمینه‌ی ارتباط این دو دانش پژوهشی صورت نگرفته است؛ تنها تمیسا ندرازی به‌صورت کلی در مقدمه‌ی کتاب‌های خود به تفاوت این دو علم اشاره کرده‌اند.

از نظر ما بررسی این موضن می‌تواند فواید زیر را داشته باشد:

۱. آشکار کردن تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو علم؛
۲. بررسی و تحلیل نوع کاربرد قواعد دستوری در علم معانی، اینکه عوامل دستوری در مباحث معانی چه نقشی را ایفا می‌کنند؛ آیا مستقیماً منجر به ایجاد معانی ضمنی و ثانوی می‌شوند یا تنها نهانه و ابزاری‌اند برای درک از وجود این معانی؛
۳. جداسازی مباحث علم معانی از مباحث دستوری؛
۴. تدوین و تقسیم‌بندی مباحث پراکنده‌ی اغراض و معانی ثانویه با جداسازی این موارد از یکدیگر و مباحث دستوری موجود در علم معانی؛ همچنین یافتن مباحث معنایی موجود در دستور زبان و تطبیق آنها با مباحث معنایی موجود در علم معانی؛
۵. نهایتاً برداشتن گامی برای منسجم کردن علم معانی سنتی با جداسازی مباحث دستوری از علم معانی و تبیین چگونگی شیوه‌های کاربرد عوامل دستوری در این علم، و همچنین مطرح کردن پیوند علم معانی و معنی‌شناسی با بحث درباره‌ی جنبه‌های معنایی دستور زبان — با پیوند این دو علم می‌توان به تحلیل

بلاغی متون و کشف شگردهای گوینده در بیان اغراض و اهداف نهانی در متن پرداخت.

برای دستیابی به این اهداف، این کتاب در هفت فصل تدوین شده است که بدین شرح است: فصل اول به ملاحظات نظری اختصاص یافته است که در دو بخش مجزا، تاریخچه و تعاریف نظری را در بر می گیرد. در بخش نخست این فصل، به تعریف علم بلاغت پرداخته شده و آنگاه علم معانی به عنوان شاخه‌ای از بلاغت مورد بررسی قرار گرفته است. در کنار این نکات، به تعاریف شاخه‌هایی از علم زبان‌شناسی چون کاربردشناسی و معنی‌شناسی اشاره شده است تا، با کنار هم قرار دادن این علوم، سبب علمی‌تر شدن بررسی رابطه‌ی دو علم معانی و دستور زبان شود. بخش دوم به بازنگری تعاریف موجود از دستور زبان فارسی و انواع آن اختصاص یافته که برای نشان دادن تمایز دستور سنتی و توصیفی به تعاریفی از زبان‌شناسی و دستور زبان‌شناسی توجه شده است.

فصل دوم را می‌توان نگاشته‌ای کلی به مطالعات زبان‌شناختی دانست. در این فصل به بررسی و تطبیق تعاریف معانی و کاربردشناسی، دستور زبان و معنی‌شناسی پرداخته‌ایم. در آغاز این فصل به بررسی کلی ارتباط کاربردشناسی و علم معانی اشاره کرده و آنگاه دو ویژگی مقتضای حال و بافت موقعیتی را با یکدیگر مقایسه کرده‌ایم. سپس به تحلیل ارتباط میان دستور زبان و معنی‌شناسی از یک سو و دستور زبان و کاربردشناسی از سوی دیگر پرداخته‌ایم. آنچه در کنار این موارد ذکر شده است، سبب علمی و بررسی و تحلیل فصاحت در معانی و قواعد دستور زبان است. در این فصل در بخشی جداگانه، به تفاوت و شباهت موضوعی میان دستور زبان و علم معانی اشاره شده است. چون علم معانی سنتی و دستور زبان سنتی از نظریات نوین زبان‌شناختی بی‌بهره‌اند، در پایان فصل، خطه نظریات زبان‌شناختی را بیان کرده و در چهارچوب آنها تقسیم‌بندی کامل‌تری را از معانی و اغراض ثانوی و کنش‌های ثانوی عوامل دستوری در علم معانی ارائه داده‌ایم. مهم‌تر آنکه، به بررسی معانی ثانویه و معانی ضمنی از دیدگاه زبان‌شناسی و علم معانی پرداخته و طرق ارائه‌ی پیام را هم به صورت صریح و هم غیرصریح در این دو علم بررسی کرده و جایگاه و کارکرد دستور زبان را در ارائه‌ی این پیام‌ها در علم معانی به تفصیل توضیح داده‌ایم.

فصل سوم و چهارم حاوی موضوع اصلی پژوهش، یعنی بررسی ارتباط مسندالیه و مسند با نهاد و گزاره در دستور زبان و کارکرد آنها در علم معانی، است. در بخش اول از فصل سوم، به

تعاریف جمله، بررسی تفاوت و شباهت اجزاء و ترتیب و حذف و ذکر آنها در این دو دانش پرداخته شده است. در بخش دوم، مسندالیه و انواع و احوالات آن را در این دو علم بررسی کرده‌ایم. بخش عملی این پژوهش از این فصل با مطرح کردن تحلیل و تقسیم‌بندی‌ها آغاز می‌شود. ما در پایان هر بخش بعد از ذکر اغراض ثانویه‌ی احوالات مسندالیه و مسند (حذف و ذکر، تقدیم و تأخیر، معرفه یا نکره بودن، مطلق یا مقید بودن و مفرد یا جمع بودن) تقسیم‌بندی چهارگانه‌ای را ارائه داده و بر اساس آن اغراض و دلایل معانی را از دلایل و قواعد دستور، معانی ثانویه، پیش‌فرض‌ها و معانی اولیه و زبانی که در کتب معانی به هم درآمیخته‌اند، جدا کرده‌ایم. از نظریه‌ی هلیدی در بخش حذف و ذکر و تقدیم و تأخیر اجزاء و معرفه و نکره بودن آن‌ها از بحث حذف و جانشینی در حذف مسند استفاده کرده‌ایم. در بخش دوم از فصل چهارم، به تفاوت میان اسناد و انواع آن در دستور و معانی اشاره کرده‌ایم.

فصل پنجم از چهار بخش تشکیل شده است که در بخش اول به بررسی جمله و انواع آن و ارائه‌ی تقسیم‌بندی چهارگانه از معانی مذکور برای جملات انشایی و خبری پرداخته‌ایم. این بخش حاوی موضوع اصلی علم معانی، یعنی معانی ثانویه است، موضوعی که در تعاریف موجود از علم معانی به‌عنوان محور اصلی این علم مطرح شده است. درحالی‌که در کتب معانی چندان به آن نپرداخته‌اند و ما تنها در بخش جمله‌ی خبری و پرسشی آن را مشاهده می‌کنیم. باید گفت که موضوع اصلی علم معانی در میان مباحث و مقولات این علم گم یا فراموش شده است. بخش دو را به حصر و قصر در جملات اختصاص داده و آن را از دیدگاه دستور زبان و معانی زبانی بررسی کرده‌ایم؛ چراکه بسیاری از معانی مطرح‌شده در این بخش جزو معنای اولیه و زبانی کلام‌اند که در حوزه‌ی معانی نمی‌نمایند. در بخش چهارم به بررسی شبه‌جمله در این دو علم پرداخته‌ایم.

فصل ششم را به مبحث فصل و وصل اختصاص داده‌ایم که از دیرباز مورد توجه علمای بلاغت بوده است. اگرچه قدما این بحث را جزو مباحث علم معانی به‌حساب آورده‌اند، ما آن را جزو دستور زبان به‌شمار آورده و آن را با بحث پیوندهای دستوری تطبیق داده‌ایم.

در فصل پایانی، بحث ایجاز و اطناب را از دید معانی اولیه و ثانویه و کارکرد آن در دستور زبان بررسی کرده‌ایم. در این بخش، تقسیم‌بندی کامل‌تری را از بحث خلاف مقتضای ظاهر ارائه کرده‌ایم که در معانی سنتی تنها به اصل تأکید اشاره شده است.

در این کتاب سعی شده است، با استفاده از شباهت‌ها و تفاوت‌های حاصل از بررسی این دو دانش، مباحث علم معانی را از منظر دستور زبان و معناهای زبانی تحلیل کنیم، با این هدف که نقش و کارکرد عوامل دستور زبان را در معانی بیابیم و از این رهگذر چارچوب و مباحث موجود در معانی سنتی را تکمیل و تفسیر کنیم. اگر علم معانی را «مطالعه‌ی کاربردهای مؤثر زبان در ارتباطات» بدانیم (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۳)، این کاربردهای مؤثر با یاری عوامل و قواعد دستور زبان شکل می‌گیرد.

از استادان گران‌قدر، جناب آقای دکتر کورش صفوی، جناب آقای دکتر محمدحسن حسینی و جناب آقای دکتر غلامرضا مستعلی پارسا که متذکر نکات بسیار ارزنده‌ای در این پژوهش شده‌اند سپاسگزاریم؛ این عزیزان با نگرش ویژه‌شان مسیر طرح مطالب را مشخص و همراه ساختند. همچنین از جناب آقای محمدمهدی زمانی که متن را ویرایش فنی، زبانی و محتوایی کردند و سرکار خانم شهلا حاتم‌آبادی که صفحه‌آرایی کتاب را بر عهده داشتند سپاسگزار می‌کنم. امید است این کتاب با تمام کاستی‌ها بتواند در آینده توجه پژوهشگران را به ایر جناب و مطالعات زبان و ادبیات جلب کند و الهام‌بخش پژوهش‌های بعدی در این زمینه باشد.